

درباره‌ی حداقل حقوق کارگران در سال 86

آرش صفار

نشریه دانشجویی به پیش شماره جدید

دوشنبه سوم اردیبهشت 1385

<http://bepishmag.blogfa.com>

روز 16 اسفند ماه 1385، اداره‌ی کار طی بخش‌نامه‌ای، حداقل دست‌مزد کارگران در سال 86 را برابر با 183 هزار تومان در ماه اعلام کرد. این رقم معادل روزانه 6100 تومان می‌باشد که با احتساب حقوق مسکن و اولاد (حداکثر دو فرزند) و بن خواروبار، دریافتی کارگران در ماه را به 236 هزار تومان می‌رساند. وزارت کار همچنین طی بخش‌نامه‌ای حداقل افزایش سایر سطوح مزدی را 10 و حداکثر آن را 12/5 درصد اعلام نموده است.

پیش‌تر بانک مرکزی جمهوری اسلامی، نرخ تورم در سال 86 را بین 12 تا 13/5 درصد اعلام کرده بود. «جهرمی» وزیر کار با ابراز خرسندی از تعیین 183 هزار تومان حداقل حقوق کارگر، عمل‌کرد سه طرف مذاکرات (نماینده‌ی کارفرمایان، نماینده وزارت کار و نماینده کارگران!!) را مثبت ارزیابی کرده و افزایش 18/3 درصدی مزد کارگر را عادلانه دانسته است.

در شرایطی که در سال 1384، کارگران نساجی شاهو، از طرف کل جنبش کارگری ایران، خواهان ماهیانه 450 هزار تومان در ماه شده بودند، «عبدالحمید محمدی»، نماینده‌ی کارگران!! در وزارت کار اعلام کرده بود: «سعی می‌کنیم دست‌مزد کارگران در سال 86 از 200 هزار تومان کمتر نباشد».

183 هزار تومان، به عنوان پایه حقوق کارگر، در شرایطی از سوی وزارت کار اعلام شده است که دکتر «عیوضی»، عضو هیئت مدیره‌ی کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار، اعلام کرده است، حداقل هزینه‌ی سبد یک خانوار چهار نفره‌ی کارگری 285 هزار تومان برآورد شده است! مسخره این که محققان شورای اسلامی کار، در فضایی خارج از جهان، در این برآورد هزینه‌های مسکن، آب، برق و شارژ احتمالی یک خانواده‌ی کارگری را تنها 120 هزار تومان ارزیابی کرده‌اند.

از طرف دیگر طبق آمارهای رسمی، خط فقر در سال 86، برابر با 400 هزار تومان اعلام شده است؛ یعنی 217 هزار تومان بیش از حقوق کارگران و 185 هزار تومان بیش از برآورد احمقانه‌ی شورای اسلامی کار. از طرف دیگر بنابر آمار منتشره از سوی بانک مرکزی هزینه‌ی ناخالص هر خانوار شهری به طور متوسط، سالانه 6 میلیون و 880 هزار تومان (حدود ماهی 570 هزار تومان یعنی 387 هزار تومان بیش‌تر از حقوق کارگر) برآورد شده است.

بر اساس این تصمیمات احمقانه‌ی وزارت کار به اعلام «حسن هاشمی»، نایب رئیس عالی شوراهای اسلامی کار، 65 درصد از نیروی کار کشور زیر خط فقر قرار دارند.

حداقل دست‌مزد کارگران تنها بین 16 تا 28 درصد از هزینه‌ی خانواده‌ی کارگران را تأمین می‌کند؛ (با توجه به نرخ 10 درصدی بی‌کاری، در بهترین حالت در یک خانواده‌ی پنج نفری، تنها یک نفر کار

می‌کند) کارگران را مجبور هستند برای گذران زندگی خود، تن به اضافه‌کاری بدهند و روزانه بین 12 تا 16 ساعت از وقت خود را به کار اختصاص دهند.

بنابر آمار ILO، کارگران ایران در بخش خصوصی، ماهیانه 120 دلار حقوق می‌گیرند (پنجمین دست‌مزد پایین، در کل خاورمیانه) در حالی که حقوق کارگر در بخش خصوصی بحرین، 398 دلار؛ مراکش، 223 دلار؛ لبنان، 200 دلار؛ تونس، 151 دلار و اردن 121 دلار می‌باشد. (خبرگزاری مهر/ 1 آذر 84)

تمام این مسائل در شرایطی است که، همین حقوق اندک (که حتی نمی‌توان نام «بخور و نمیر» بر آن گذاشت) نیز از سوی صاحبان سرمایه پرداخت نمی‌شود؛ به طوری که به عنوان نمونه، تعویق در پرداخت حقوق کارگران «چیت بهشهر» به 6 ماه؛ «کشتی‌سازی اروند»، 3 ماه؛ «قوهی پارس»، 8 ماه؛ «پرسان رشت»، 36 ماه؛ «نساجی خوی»، 6 ماه؛ «صنایع فلزی ایران»، 4 ماه؛ «پوشینه‌ی قزوین»، 8 ماه؛ «صنایع الکترونیک دماوند»، 15 ماه و «صنایع چوب طالقانی» به 7 ماه، می‌رسد. این وضعیت در شرایطی است که در ایران بزرگترین کارفرما دولت می‌باشد و کمیسیون تلفیق مجلس پیشنهاد آن در لایحه‌ی بودجه‌ی سال 86، مبنی بر اختصاص 1200 میلیارد تومان برای فعالیت‌های هسته‌ای را تایید کرده است.

تعیین دست‌مزدهایی که با واقعیات اقتصادی جامعه خوانایی ندارد و حتی کفاف تامین معاش یک خانواده را هم نمی‌دهد، حدیث ادامه داری است که ریشه در نیازهای بورژوازی ایران و ضرورت‌های انباشت سرمایه دارد. نیاز بورژوازی ایران به نیروی کار ارزان (نگارنده در مقاله‌ای تحت عنوان «درباره‌ی تضاد سرمایه‌داری و دموکراسی در ایران»، در شماره‌ی اول نشریه‌ی «به پیش» به بررسی و توضیح این مسئله پرداخته است) نئولیبرال‌های وطنی را بر آن داشته تا با الگو قرار دادن نسخه‌های تجویزی سه نهاد اقتصاد بین‌المللی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی) به تنظیم روابط کارگر و کارفرما بپردازند؛ کما این که در قسمتی از مقاله‌ای با نام «صندوق بین‌المللی پول و پیش‌بینی اقتصاد 2007 ایران» که در «دنیای اقتصاد» 11 بهمن 1385 به چاپ رسید، آمده است: «میزان پرداخت حقوق و دست‌مزد دولتی از 6 درصد تولید ناخالص داخلی در سال گذشته‌ی میلادی به 5/8 درصد در سال جاری میلادی کاهش می‌یابد.»

در میان، آن چه از نظر منافع طبقه‌ی کارگر ایران اهمیت می‌یابد، بیش از هر چیز، مبارزه‌ی مستقیم کل طبقه‌ی کارگر برای تحمیل خواسته‌اش مبنی بر پرداخت به موقع حقوق و مزایا و عدم به تاخیر افتادن آن و نیز افزایش کف حقوق تا سطحی بالاتر از خط فقر می‌باشد. این مبارزه که تنها در صورت اتحاد کامل کلیت طبقه‌ی زحمت‌کش ایران امکان‌پذیر است بار دیگر مبرم‌ترین مسئله‌ی جنبش کارگری در سال‌های اخیر و حال حاضر یعنی ضرورت تشکیل‌های مستقل، که ظرفی برای مبارزه‌ی بی‌امان طبقاتی کارگران در همه‌ی وجوه آن می‌باشد، را در دستور کار فعالان چپ کارگری قرار می‌دهد.